

«فرهنگستان» ۳۱ خرداد ماه سالروز شهادت مصطفی چمران تصویر فرماندهان جنگ در سیمای ایران را بررسی می کند

قهرمان‌ها به سینما می آیند



وارد اتاق شدم دیدم مصطفی روی تخت دراز کشیده. فکر کردم خواب است. گفت: «من فردا شهید می شوم. ولی من می خواهم شما رضایت بدهید. اگر رضایت ندهید شهید نمی شوم... من فردا از اینجا می روم و می خواهم با رضایت کامل شما باشد.» کلی گفت و گو کردیم و آخر رضایت را گرفت. نامه‌ای به من داد که وصیتنامه‌اش بود. گفت: «تا فردا باز نکتبید.» نگاهش کردم، گفتم: «یعنی فردا که بروی دیگر تو را نمی بینم؟» مصطفی گفت: «نه.» در صورتش دقیق شدم و بعد چشم‌هایم را بست، گفتم: «باید یاد بگیرم، تمرین کنم چطور صورتت را با چشم بسته ببینم.» یقین پیدا کردم که مصطفی امروز اگر برود دیگر بر نمی گردد. دویدم و کلت کوچکم را برداشتم و آمدم پایین. نیتم این بود مصطفی را بزنم، بزنم به پایش تا نرود... مصطفی در اتاق نبود. این بخشی از خاطرات خانم غاده جابر، همسر لبنانی مصطفی چمران است. شاید در زندگی‌های روزمره شهری و آپارتمانی، چنین لحن و رفتاری فارغ از کشش عصبی و درک نرمال افراد باشد اما حقیقت این است که انسان‌های خاص و خارق‌العاده، روی همین زمین و در کنار ما زندگی می کنند و گاهی جامعه آنها را منزوی کرده و گاهی اجازه داده تا ساکن کشتی اجتماعی را به دست بگیرند. لحظات تاریخی و دوران ساز بشر معمولا همان اوقاتی رقم خورده که چنین شخصیت‌هایی میدان دار صحنه اجتماع شده‌اند. انقلاب‌ها و تحولات بزرگ هم در چنین شرایطی پدید می آیند. مصطفی چمران یکی از این شخصیت‌هاست. شخصیتی که حتی بیان دوخطی زندگی نامه‌اش قادر است هر خواننده‌ای را در شوک و حیرت فروبرد. چمران را در ایران همه می شناسند. او نقاش، خطاط، شاعر، فیزیکدان و چریک بود. از محله پامنار تهران به دانشگاه ام‌اندای و پس از آن برکلی آمریکا رفت و بعد از استخدام در آزمایشگاه پیشرفته جت ناسا، آنجا را رها کرد تا برای کمک به کودکان یتیم لبنان و رهایی آنها از دام جنگ، به خاورمیانه برگردد. زندگی شخصی مصطفی چمران، ازدواج‌های اول و دوم او، نوع زیست مصطفی چمران هنگامی که در ایران پس از انقلاب، مسئولیت وزارت دفاع و نمایندگی مجلس را پیدا کرد و جزئیات فراوان دیگری از زندگی این شخصیت، تا حدودی برای همه مردم آشنا هستند. شاید حتی کسانی که در تارهای زندگی روزمره شهری

و آپارتمان نشینی امروز تنیده شده‌اند هم گاهی دوست دارند حرفه‌ای بر نقب تاریخ زده شود تا از روزنه آن بتوان چهره مردان و زنان بزرگی از این دست را دید و در هوایی تنفس کرد که آنها تنفس می کردند. صحبت کردن از مصطفی چمران در هر کدام از قالب‌های روایی، چه رسانه‌ای و چه هنری از این جهت دشوار است که هر قدر هم منطقی و نرمال باشد، لاجرم به خاطر ابعاد خارق‌العاده شخصی‌یت چنین افرادی، بار معنایی برحرارتی پیدا می کند و ممکن است گوینده‌ها از افتادن در دام شعارزدگی بترسند. تجربه نشان داده که هر کس در باب این گونه موارد صحبت می کند، اگر بخواهد فضا و شخصیت‌های آرمانی را با لحن بی طرف و علم زده رئالیسم روزمره روایت کند، چوب دو سر طلا خواهد شد، نه منطقی را می تواند ادا کند و نه حق مطلب را. اینجا وادی اعتدال نیست و اگرچه ظرافت می خواهد، در عین حال لازم است که راوی، روح جوشان آن دوران و افرادی که به طور توانمند پدید آورنده و متاثر از آن بوده‌اند را درک کرده باشد. فرمول ساخت فیلم، نوشتن داستان، روایت تاریخی و هر نوع روایت دیگری از این نوع شخصیت‌ها و دوران‌ها همین است؛ باید به آن دل داد و آنگاه روایت را از دل بر آورد. این فرمول اگرچه ریاضی وار نیست و مثلا با سبک تولید فیلم‌های ابرقهرمانی هالیوود از روی کتاب‌های مصور داستانی، نگارش رمان‌های بفروش و تاریخ نگاری‌های معمول و علمی پیروی نمی کند، اما باید باور کرد که منطقی تر است. منطق، اگر واقعا درست کار کند، این جور جاها باید حکم به غیرمنطقی بودن یا به عبارتی گشودن زبان در منطقی دیگر بدهد. تا به حال پنج، ۱۶ اثر سینمایی درباره سرداران بزرگ جنگ ایران و عراق و تعداد بیشتری فیلم، راجع به وقایع تاریخی جنگ تحمیلی ساخته شده است که تنها تعداد معدودی از آنها موفق بودند. سریال «سیمرغ» درباره دو شهید خلبان احمد کشوری و علی اکبر شیرودی و سریال «شوق پرواز» با محوریت زندگی سرلشکر عباس بابایی، از نمونه‌های تلویزیونی فیلمسازی درباره سرداران شهید هستند. در بخشی از سریال «در چشم باد» هم به شخصیت شهید حسین باقری اشاره می شود و او البته در مستند بازسازی شده «آخرین روزهای زمستان» هم شخصیت محوری بود.

حمید باکری در «هیوا» اثر رسول ملاقلی پور



در میان فیلم‌های سینمایی که راجع به زندگی سرداران جنگ ساخته شده‌اند، می شود «هیوا» را نام برد که به لحاظ ارزش‌های هنری سرآمد باقی آثار است. «هیوا» را مرحوم رسول ملاقلی پور درباره شخصیت شهید حمید باکری ساخته بود. حمید باکری هم چهره‌ای افسانه‌ای و خارق‌العاده داشت که هنوز وقتی مردم به رفتار بعضی از مسئولان کشور نقد دارند، خاطراتی از دوران شهرداری او در ارومیه را زبان گرد می کنند. اما پرداخت ملاقلی پور به این قصه نوع عجیب و پیچیده‌ای داشت و یک سفر در زمان به حساب می آمد. «هیوا» را به عبارتی می شود شکافتن پوسته فرافی دانست که زمان میان کهنه‌سربازهای امروز با دوران طلایی‌شان انداخته بود و ملاقلی پور خودش یکی از این کهنه‌سربازها به حساب می آمد. او در دو فیلم دیگر هم این سفر معنوی در زمان را نمایش داده بود و روایت سینمایی‌اش در «هیوا» را به هیچ وجه نمی شود بیوگرافیک دانست، هر چند چشم و دل بیننده را مثل گلوله‌ای از پرده دوران عبور می داد و تار و پود آن را در ذهنش می شکافت.

مصطفی چمران در «چ» اثر ابراهیم حاتمی کیا



وقتی خبر رسید که ابراهیم حاتمی کیا قرار است فیلمی درباره زندگی مصطفی چمران بسازد، خیلی‌ها سر ذوق آمدند. اما هنوز کسی فیلم را ندیده بود که پیچیدن اخبار حواشی آن، علاقه‌مندان را نگران کرد. فریبرز عرب‌نیا، بازیگر نقش مصطفی چمران، به دلیل اینکه دو سه روز از پایان قراردادش گذشته بود، حضور در صحنه فیلمبرداری را رها کرد و رفت. این کار اگر چه از جهت قانونی مشکلی نداشت اما بدون شک به لحاظ مرام هنری یک حرکت شنیع به حساب می آمد و ضربه بزرگی به فیلم زد. اما اینکه شاید «چ» در حد و اندازه‌های توقع مردم از چنین فیلمی درنیامد، تماما به علت بدقلقی بازیگر نقش آن نبود. حاتمی کیا با ساخت این فیلم استاندارد فیلمسازی را رعایت کرد اما اینکه جلوه‌ای از شخصیت افسانه‌ای مصطفی چمران در اثر او درخشیده باشد، چیزی نبود که با قاطعیت بشود از آن حرف زد. در فیلم «چ» شخصیت اصغر وصالی که بابک حمیدیان بازی کرده بود، نقش پررنگ‌تری نسبت به مصطفی چمران داشت. شاید اگر رضا عطاران که انتخاب اول حاتمی کیا برای نقش چمران بود، به دلیل بازی در فیلم «طبقه حساس»، فیلمی که یکی دو سال بعد چندان کسی آن را یادش نماند، پیشنهاد حاتمی کیا را رد نمی کرد، سرنوشت فیلم به نوعی دیگری رقم می خورد.

احمد متوسلیان «ایستاده در غبار» اثر محمدحسین مهدویان



احمد متوسلیان از این جهت در میان شخصیت‌های جنگ، قهرمان ویژه‌ای برای سینما بود که در غبار تاریخ محو شد. اون نه به پشت جبهه برگشت و نه هیچ گاه خبر شهادتش را به طور رسمی اعلام کردند. احمد متوسلیان به اصطلاح سینمایی‌اش «در افق محو شد» و این جذاب‌ترین نمود برای یک قهرمان تاریخی در سینماست. چیزی که فیلم اول محمدحسین مهدویان را نتاج داد و آن را به اثر برجسته‌ای تبدیل کرد، این بود که زیاد به شخصیت متوسلیان نزدیک نشد و او را در یک نمای درشت و با تصاویر آهسته و میزانشن‌های شاعرانه نشان داد. «ایستاده در غبار» بر عکس «هیوا» که بیش از حد متعارف و معمول فیلم‌های بیوگرافیک، به روح و روان شخصیتش نزدیک شده بود، او را از دور و در نمای که یک عکاس از مجسمه یادبود قهرمان‌ها در میدان اصلی شهر می گیرد، نشان داد.

سیدحسین علم‌الهدی در «زیباتر از زندگی» اثر انسیه شاه‌حسینی



«زیباتر از زندگی» فیلمی است که هر بار صحبت از حضور سینما در روایت از اشغال و فتح خرمشهر باشد نام آن به میان می آید، هم وقتی بحث از حضور زنان در سینمای دفاع مقدس است و هم وقتی درباره تاریخ نگاری دفاع مقدس در سینما حرف زده شود. «زیباتر از زندگی» فیلمی است درباره شهید سیدحسین علم‌الهدی اما به رغم موضوع مهمی که دارد، به لحاظ فنی فیلم موفقی از آب در نیامد.

عباس دوران در «عبور از خط سرخ» و «خلبان» اثر جمال شورجه



جمال شورجه به طور پیاپی و با فاصله دو سال، دو فیلم درباره زندگی شهید عباس دوران ساخت. اولین فیلم با نام «عبور از خط سرخ» در سال ۱۳۷۴ و دومی با نام «خلبان» در سال ۱۳۷۶ ساخته شد. حتی بازیگرهای هر دو فیلم تقریبا یکی هستند و ظاهرا گروه تولید با یک بار سر صحنه رفتن، توانسته است برای دو فیلم سینمایی تصویربرداری کند. عباس دوران در ایران چهره خاص و ویژه‌ای دارد اما هیچ کدام از دو فیلمی که درباره او ساخته شدند، چندان به چشم نیامد.

چارسو

دلالت‌فغان پا به عرصه موسیقی گذاشتند



این روزها اهالی موسیقی اعتراض‌های بسیاری دارند. تقریبا هر هفته چند هنرمند در رسانه‌های مختلف واکنش‌هایی دارند و با نوشتن نامه یا از راه مصاحبه با رسانه‌ها اعتراض‌شان را نشان می دهند. محمدفرزین ذوالقدر از خوانندگان موسیقی ایرانی است که او هم به اوضاع کنونی موسیقی معترض است. گلایه این خواننده موسیقی ایرانی ابتدا به اهالی و متخصصانی است که در مسند مدیریت، موسیقی کشور را به طور کامل به سمت موسیقی پاپ بردند. وی در گفت‌وگو با «تسنیم» گفت: «زمانی این متخصصان به خواننده برتر زمان اعتراض می کردند که آقای شجریان فقط دوست دارند، موسیقی اصیل و سبک و سیاق ایشان از تریبون‌های گوناگون پخش شود و برای سبک و سیاق دیگر موسیقی‌ها ارزشی قائل نیست. حال این دوستان بیایند و پاسخ دهند که هنوع موسیقی و هر نوع ابتدال را که می خواستند رواج دادند. این دوستان بیایند و بگویند که آن موسیقی فاخر و ارزشمند که آبروی فرهنگ پارسی و ایرانی اسلامی ما بود، کجاست؟ و چرا دیگر حتی استادان موسیقی ایران فعالیتت در این عرصه ندارند و تقریبا همه خانه‌نشین شده‌اند.» ذوالقدر تاکید کرد: «امروز کار به جایی رسیده که قشر نادری از بازاربان و حتی دلالت‌فغان پا به عرصه موسیقی گذارده و برای موسیقی ایران تعیین تکلیف می کنند حرمت و انسانیت را خرد می کنند و با وقاحت تمام می گویند هر کس فرهنگ می خواهد برود بیرون ما تاجریم. لطفا پاسخ دهید چرا هیچ کس صدایش در نمی آید؟»

همکاری ایران و چین در تولید مشترک سینمایی



میائو ژیاوتیان، رئیس کمیته فیلم چین اعلام کرد چین قرارداد همکاری در تولیدات سینمایی با ۲۲ کشور امضا کرده و چنین قراردادی را با ایران تا پایان اسامال امضا می کند. این مقام مسئول شرکت تولید فیلم چین این خبر را دیروز در جشنواره فیلم شانگهای اعلام کرد. این جشنواره اسامال میزبان ۶ فیلم در بخش «فوکوس ایران» است و جلسات گروهی را برای همکاری عمیق‌تر نیز برگزار خواهد کرد. رضا میرکریمی، دبیر جشنواره جهانی فیلم فجر نیز در نشست به ارائه چشم‌اندازی از سینمای ایران پرداخت و درباره عملکرد مدرن آن صحبت کرد. او در بخش مهمی از صحبت‌هایش به معرفی سازمان‌ها و بخش‌های دولتی صنعت فیلم ایران اشاره کرد که در راس این فهرست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران جای داشت. در این نشست جیانگ‌هیانگ کارگردان سینما گفت: «چین و ایران در زمینه‌هایی چون محیط اجتماعی و محیط خلاقانه نقاط مشترک زیادی دارند.» وانگ بی‌بینگ، مدیرعامل «گروه فیلمسازی درنی مانکی» گفت: «صنعت فیلم ایران و چین علاقه‌مند موضوع‌های واقع‌بینانه هستند و هر یک از این دو کشور ساختار اجتماعی پیچیده، جمعیتی وسیع و خاکی پنهان برای خلاقیت دارد.» کامیار محسنی مدیر روابط بین‌المللی جشنواره فیلم فجر نیز در این نشست گفت: «دولت‌ها می توانند تلاش کنند تا به تشویق همکاری بین کشورها بپردازند، اما اجرا باید توسط فیلمسازان انجام شود. فیلمسازان نیاز دارند تا دیالوگ بیشتری با یکدیگر داشته باشند. شاید در بخش فیلم‌های کودک می توانیم چشم‌اندازهای وسیع‌تری برای همکاری داشته باشیم.»

قیمت هر بند کاغذ از ۵۰۰ هزار تومان گذشت



با تداوم کمبود کاغذ تحریر و بالک در بازار نشر کشور، قیمت این محصولات در بازار آزاد نرخ صعودی به خود گرفت و قیمت هر بند از کاغذ تحریر ۷۰ گرمی وارداتی از کشور اندونزی با اندازه ۷۰ در ۱۰۰ از مرز ۵۰۰ هزار تومان نیز گذشت. «مهر» در این باره نوشت: «این در حالی است که قیمت این کاغذ در هفته گذشته به قیمت ۴۶۵ هزار تومان به فروش می‌رسیده است.» در همین زمینه قیمت کاغذ تحریر با ابعاد ۶۰ در ۹۰ از همین نوع نیز در بازار به رقم بندی ۳۷۰ هزار تومان رسیده است که نسبت به رقم هفته قبل خود به ازای هر بند یا ۴۰ هزار تومان افزایش داشته است. همچنین رقم فروش کاغذ گلاسه با ابعاد ۷۰ در ۱۰۰ با گرم‌اژ ۹۰ نیز به ازای هر کیلوگرم به مبلغ ۳۲۰ هزار تومان رسیده است که این رقم نیز برای هفته قبل با روند صعودی همراه بوده است. در حالی این قیمت‌ها در بازار آزاد اعلام شده است که در سامانه توزیع دولتی کاغذ و مقوا کماکان محصولی برای عرضه به مخاطبان وجود ندارد و عنوان شده که ناشران برای تحویل کاغذ باید صبر داشته باشند. از سوی دیگر ایوب دهقانکار، مشاور اجرایی معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز به تازگی در گفت‌وگویی اعلام کرده است که با واردات ۶ هزار و ۳۰۰ تن کاغذ چاپ و تحریر توسط چهار واردکننده موافقت شده است که این میزان از میان تقاضای ۲۴ متقاضی برای واردات ۱۵۰ هزار تن که تقریبا سه برابر مصرف داخلی کاغذ تحریر است، مصوب شده است.